گزارش

گزارش «شرق» از درگیری دریایی تهران و واشینگتن

نفتکش‌ها زیر آتش ناوهای آمریکایی در تیررس

شرق: شامگاه شنبه و بامداد یکشنبه، رویارویی ایران و آمریکا بار دیگر از سطح تهدید و فشار به تبادل مستقیم آتش کشیده شد. حمله آمریکا به سه نفتکش ایرانی و پاسخ نیروهای ایرانی با هدف قراردادن شناورهای مرتبط با آمریکا، تنگه هرمز را به کانون تازه تنش‌ها تبدیل کرد.

تنگه هرمز شامگاه شنبه بار دیگر به صحنه رویارویی مستقیم ایران و آمریکا تبدیل شد. در فاصله چند ساعت، دو طرف از حمله به شناورهای یکدیگر خبر دادند و سطح تنش دریایی در یکی از حساس‌ترین آبراه‌های جهان افزایش یافت. این درگیری‌ها در شرایطی رخ داد که فشارهای سیاسی و نظامی علیه تهران هم‌زمان با نزدیک‌شدن به نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی افزایش یافته است. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، نیروهای آمریکایی روز شنبه سه نفتکش ایرانی را هدف قرار دادند. فرماندهی مرکزی آمریکا اعلام کرد این اقدام پس از آن انجام شد که نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با موشک‌های بالستیک دو شناور نیروی دریایی آمریکا را هدف قرار دادند. مقام‌های آمریکایی همچنین اعلام کردند یک ناو هواپیمابر و یک ناوشکن توانسته‌اند از چند حمله ایران دور شوند و هیچ نیروی آمریکایی در این حملات آسیب ندیده است. در مقابل، سپاه پاسداران روایت دیگری از این درگیری ارائه کرد. نیروی دریایی سپاه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد یک شناور نظامی بدون سرنشین آمریکا که تلاش داشته وارد محدوده حفاظت‌شده تنگه هرمز شود، هدف قرار گرفته است. در این اطلاعیه تأکید شد تحرکات نیروهای دشمن در منطقه تحت رصد قرار دارد و هرگونه اقدام تهدیدآمیز با واکنش مواجه خواهد شد. این اطلاعیه در ادامه هشدار صریح تهران به واشینگتن منتشر شد. سپاه تأکید کرد تنگه هرمز تحت مدیریت جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و از آمریکا خواست منطقه را ترک کند و به اقدامات نظامی خود پایان دهد. هم‌زمان، نیروی هوافضای سپاه نیز از شلیک موشک‌های بالستیک به سمت یک ناو هواپیمابر و یک ناوشکن آمریکایی خبر داد. بر اساس اطلاعیه سپاه، این دو شناور در جریان تعرض به شناورهای ایرانی و مشارکت در محاصره دریایی ایران هدف قرار گرفته‌اند. سپاه مدعی شد هر دو شناور آسیب دیده‌اند و از منطقه درگیری عقب‌نشینی کرده‌اند. این ادعا در حالی مطرح شد که گزارش‌های آمریکایی از دفع حملات و عدم اصابت موشک‌ها به شناورهای آمریکایی حکایت داشت. در سوی دیگر ماجرا، سپاه پاسداران اعلام کرد نیروهای آمریکایی صبح شنبه به سه نفتکش ایرانی حمله کرده‌اند و به آنها آسیب زده‌اند. پس از آن، نیروهای ایرانی چند نفتکش را که به گفته سپاه در مسیرهای غیرمجاز در تنگه هرمز در حال تردد بودند، هدف قرار دادند. همچنین از هدف قرارگرفتن چند شناور مرتبط با آمریکا در دیگر نقاط منطقه خبر داده شد. این تحول نشان می‌دهد درگیری دریایی میان تهران و واشینگتن دیگر صرفا به رویارویی میان شناورهای نظامی محدود نمانده است و نفتکش‌ها و مسیرهای انتقال انرژی نیز به بخشی از میدان فشار متقابل دو طرف تبدیل شده‌اند. حمله آمریکا به نفتکش‌های ایرانی و تهدید واشینگتن درباره ادامه هدف قراردادن ناوگان نفتی ایران، اهمیت اقتصادی و راهبردی این مرحله از درگیری را دوچندان کرده است. در همین حال، تحلیلگران از اهمیت حمله ایران به شناورهای آمریکایی سخن گفته‌اند. به نوشته الجزیره، ولفگانگ پوشتای، تحلیلگر مسائل دفاعی، این اقدام را نشانه‌ای از «تشدید حساب‌شده» در رویارویی تهران و واشینگتن دانسته است. به گفته او، اهمیت این حمله فقط به هدف قرارگرفتن دو شناور نظامی بازنمی‌گردد. یکی از اهداف، یک ناوشکن موشکی و دیگری یک ناو هواپیمابر بوده است. پوشتای ناو هواپیمابر را ستون‌فقرات کارزار نظامی آمریکا علیه ایران توصیف کرده است. این تحلیلگر معتقد است نیروهای آمریکایی توانسته‌اند از اصابت حملات جلوگیری کنند. با این حال، او اقدام ایران را یک فرصت مهم برای تهران دانسته است. از نگاه پوشتای، اگر موشک‌های ایران با موفقیت به اهداف مورد نظر اصابت می‌کردند، این احتمال وجود داشت که در واشینگتن بحث‌های جدی درباره نحوه ادامه جنگ شکل بگیرد. حتی ممکن بود اصل ادامه عملیات نظامی آمریکا نیز به موضوع این بحث‌ها تبدیل شود.

قالیباف خواستار بررسی تخصصی طرح مقابله با نفوذ بیگانگان شد

ارجاع طرح مقابله با نفوذ به کمیسیون قضائی

رئیس مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه طرح مقابله با نفوذ بیگانگان باید با دقت و استفاده از نظرات کمیسیون قضائی و دستگاه‌های ذی‌ربط بررسی شود، گفت: ولی نباید در این مسیر کشور را قفل کنیم، بلکه باید از ایجاد ابهامات جلوگیری شود. او با تأکید بر اینکه موضوع نفوذ، مسئله‌ای اساسی است، تصریح کرد: باید در همه ارکان کشور، ازجمله دولت و مجلس، باور مشترکی برای مقابله با نفوذ وجود داشته باشد. اگر دولت نسبت به موضوعی بی‌توجهی کند یا با آن همراه نباشد، ممکن است در ادامه اجرای قانون نیز با مشکل مواجه شویم؛ بنابراین برای رسیدن به یک هدف واحد، باید به ریل اصلی بازگردیم. محمدباقر قالیباف ادامه داد: زمانی که این طرح به کمیسیون ارجاع داده شد، به کمیسیون فرعی ارجاع داده نشد، در حالی که از بند ۱۲ تا ۱۷ و در فصل‌های بعدی، بخش عمده‌ای از مواد مربوط به موضوعات قضائی است و طبیعتا باید کمیسیون حقوقی و قضائی نیز درباره آن اظهارنظر کند. قالیباف تصریح کرد: دوستان در کمیسیون قضائی نیز نسبت به این مسئله اعتراض داشتند و حتی اکنون نیز درباره برخی مواد و ازجمله ماده ۱۲ ابهاماتی مطرح شده است که باید با دقت اصلاح شود. نباید به‌گونه‌ای عمل کنیم که در ادامه مسیر، زمان مجلس از دست برود. او با بیان اینکه بررسی این طرح به دلیل شرایط و ضرورت موجود در دستور کار مجلس قرار گرفته است، گفت: در جلسه سران قوا نیز موضوع طرح مقابله با نفوذ مطرح شد و بنده در آن جلسه به رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه تأکید کردم این موضوع در مجلس با دقت بررسی خواهد شد. رئیس مجلس شورای اسلامی افزود: کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس باید با دقت این موضوع را دنبال کند و در بخش‌هایی که نیازمند بررسی قضائی است، حتما از نظر کمیسیون قضائی و حقوقی استفاده شود و این کمیسیون نیز باید نظر قوه قضائیه را اخذ کند؛ چراکه اگر این نظرات اخذ نشود، در زمان بررسی مصوبه در شورای نگهبان، این شورا نظر قوه قضائیه را خواهد گرفت و ممکن است طرح دوباره به مجلس بازگردانده شود که این روند موجب از دست رفتن زمان خواهد شد.

روایت «شرق» از نشست فصلی شورای حکام و تلاش واشینگتن و تروئیکای اروپا برای کشاندن پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت

از شورای حکام تا شورای امنیت؟

عبدالرحمن فتح‌الهی: پرونده هسته‌ای ایران بار دیگر در آستانه عبور از وین و رسیدن به نیویورک قرار گرفته است. این مسیر احتمالی اگرچه هنوز در مرحله رایزنی‌های دیپلماتیک و تلاش برای تصویب قطع‌نامه در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دارد، می‌تواند یکی از مهم‌ترین تحولات پرونده هسته‌ای ایران در سال‌های اخیر، آن‌هم در میانه جنگ تحمیلی آمریکا علیه ایران باشد. نشست فصلی شورای حکام آژانس از امروز، دوشنبه ۱۶ شهریور، با حضور نمایندگان ۳۵ کشور عضو در وین آغاز می‌شود و موضوع ایران یکی از محورهای اصلی دستور کار آن است. این نشست تا روز جمعه ادامه خواهد داشت و طبق اعلام دبیرخانه آژانس، اجرای توافق‌نامه پادمان‌های ان‌پی‌تی و مفاد مرتبط با قطع‌نامه‌های شورای امنیت درباره ایران در دستور کار قرار دارد.

اهمیت این نشست اما فراتر از یک جلسه معمول فصلی شورای حکام است؛ چراکه آمریکا و سه کشور اروپایی، یعنی بریتانیا، فرانسه و آلمان، در تلاش‌اند حمایت اعضای شورای حکام را برای تصویب قطع‌نامه‌ای جلب کنند که در صورت تصویب، مسیر ارجاع دوباره پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل را هموار خواهد کرد. بر اساس گزارش رویترز و اظهارات دیپلمات‌ها، پیش‌نویس این قطع‌نامه هنوز به‌طور رسمی در اختیار شورای حکام قرار نگرفته و مذاکرات بر سر متن نهایی آن ادامه دارد؛ با این حال، کشورهای پیشنهاددهنده نسبت به پیشبرد آن اطمینان قابل توجهی دارند. در صورت تصویب چنین قطع‌نامه‌ای، این اقدام می‌تواند نخستین ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت از مسیر شورای حکام در حدود دو دهه گذشته باشد.

در ادامه مسیر جنگ ۱۲روزه

قطع‌نامه احتمالی با هدف ارجاع پرونده ایران از شورای حکام به شورای امنیت در ادامه مصوبه ژوئن ۲۰۲۵ شورای حکام قرار می‌گیرد که ایران را به دلیل حل‌نشدن مسائل پادمانی مرتبط با آثار اورانیوم کشف‌شده در برخی مکان‌های اعلام‌نشده، ناقض تعهدات خود معرفی کرده بود. اهمیت این پرونده زمانی بیشتر می‌شود که یادآوری کنیم فقط یک روز پس از تصویب آن قطع‌نامه در سال گذشته، حملات نظامی اسرائیل در قالب جنگ ۱۲روزه، به تأسیسات هسته‌ای ایران آغاز و آمریکا نیز اندکی بعد وارد این درگیری شد.

اکنون، یک سال و سه ماه پس از آن تحولات، اختلاف اصلی میان تهران و آژانس همچنان بر سر سطح همکاری، دسترسی بازرسان و امکان راستی‌آزمایی وضعیت تأسیسات و ذخایر هسته‌ای ایران متمرکز است. ایران تأکید دارد پس از حملات نظامی در جنگ ۱۲روزه به برخی مراکز هسته‌ای، بازرسی از این تأسیسات نمی‌تواند بدون تدوین سازوکار و ضوابط جدید صورت گیرد. تهران همچنین تصریح کرده است تأسیسات هسته‌ای آسیب‌ندیده، مطابق چارچوب توافق‌نامه پادمان، همچنان موضوع همکاری و بازرسی قرار دارند. در مقابل، آژانس خواهان دسترسی و اطلاعاتی است که بتواند بر مبنای آن درباره وضعیت برنامه هسته‌ای ایران اطمینان حاصل کند.

مواضع معنادار گروسی در آستانه نشست شورای حکام

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در روزهای منتهی به نشست شورای حکام، بار دیگر پرونده ایران را در کانون توجه قرار داده است. او ضمن اشاره به تداوم تماس‌های آژانس با تهران و واشینگتن، تأکید کرده است وضعیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران همچنان محل نگرانی این نهاد است. گروسی همچنین درباره وضعیت ذخایر اورانیوم ایران گفته است اطلاعات آژانس درباره این ذخایر پس از حملات به تأسیسات هسته‌ای، به‌روز و قابل راستی‌آزمایی نیست. در عین حال، یکی از نکات قابل توجه در اظهارات اخیر گروسی، موضع او در قبال ادعاهای مطرح‌شده درباره فعالیت هسته‌ای ایران در کوه کلنگ است. مدیرکل آژانس تصریح کرده است نمی‌توان چنین احتمالی را به‌طور کامل رد کرد، اما در عین حال شواهد بسیار محکمی نیز برای تأیید این ادعا در اختیار آژانس وجود ندارد. همین موضع نشان می‌دهد بخشی از گمانه‌زنی‌های مطرح‌شده درباره فعالیت‌های هسته‌ای احتمالی ایران در مراکز اعلام‌نشده، همچنان در سطح ادعا و ارزیابی‌های غیرقطعی قرار دارد. در سوی دیگر، تهران موضع حقوقی متفاوتی را دنبال می‌کند. جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت مطابق چارچوب زمانی تعیین‌شده در آن، در ۲۶ مهر ۱۴۰۴ خاتمه یافته و تلاش برای احیای قطع‌نامه‌های پیشین شورای امنیت علیه ایران فاقد مبنای حقوقی است. نمایندگی ایران در وین نیز در واکنش به تلاش آمریکا و سه کشور اروپایی برای تصویب قطع‌نامه جدید، آن را نشانه‌ای از شکست سیاست «اسنپ‌بک» دانسته و تأکید کرده است این اقدام دستاوردی برای طرف‌های غربی نخواهد داشت. با این همه، مسئله فقط به اختلاف حقوقی میان تهران و غرب محدود نمی‌شود؛ نگرانی اصلی آن است که ارجاع احتمالی پرونده از شورای حکام به شورای امنیت چه پیامدهایی برای وضعیت امنیتی منطقه خواهد داشت. در نگاه نخست، چنین ارجاعی الزاما به معنای آغاز جنگ گسترده تازه یا صدور مجوز فوری برای اقدام نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران نیست؛ به‌ویژه آنکه روسیه و چین به‌عنوان اعضای دائم شورای امنیت، از حق وتو برخوردارند. اما از منظر سیاسی، انتقال پرونده به نیویورک می‌تواند فضای تقابل را تشدید و زمینه را برای فشارهای بیشتر علیه تهران فراهم کند. در همین نقطه است که هشدار حشمت‌الله فلاحت‌پیشه اهمیت پیدا می‌کند. رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در واکنش به احتمال ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، نسبت به پیوندخوردن این تحول با احتمال اقدام نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران هشدار داده است. او در شبکه اجتماعی ایکس، در اشاره به این سناریو، موضوع «ارجاع پرونده ایران از شورای حکام به شورای امنیت» و «احتمال حمله به تأسیسات کوه کلنگ» را در کنار یکدیگر قرار داده است؛ هشداری که نشان می‌دهد از نگاه برخی ناظران، مسیر حقوقی و دیپلماتیک پیش‌رو را نمی‌توان کاملا جدا از سناریوهای نظامی احتمالی بررسی کرد. سیدنظام موسوی، سخنگوی هیئت‌رئیسه مجلس یازدهم نیز در تحلیل مشابهی نوشت: «پیش‌نویس قطع‌نامه جدید آژانس، کد رمز برای حمله مجدد به مراکز هسته‌ای ایران است». اهمیت این هشدارها زمانی بیشتر می‌شود که تجربه سال گذشته را در نظر بگیریم؛ تجربه‌ای که در آن، فاصله میان تحولات دیپلماتیک شورای حکام و جنگ ۱۲روزه بسیار کوتاه بود. از این منظر، اگرچه تصویب قطع‌نامه در شورای حکام به‌خودی‌خود معادل تصمیم برای جنگ نیست، اما می‌تواند بخشی از روندی باشد که در نهایت به افزایش فشار سیاسی، امنیتی و نظامی علیه ایران منجر شود. اکنون نگاه‌ها به وین دوخته شده است؛ جایی که ۳۵ عضو شورای حکام باید درباره یکی از حساس‌ترین پرونده‌های آژانس تصمیم‌گیری کنند. در یک سوی این معادله، آمریکا و تروئیکای اروپایی قرار دارند که می‌کوشند پرونده هسته‌ای ایران را بار دیگر در مسیر شورای امنیت قرار دهند و در سوی دیگر تهران قرار دارد که این روند را از منظر حقوقی فاقد اعتبار می‌داند و خواهان تنظیم سازوکاری تازه برای همکاری با آژانس است. آنچه در روزهای آینده در وین رقم خواهد خورد، می‌تواند نه‌تنها آینده مناسبات ایران و آژانس، بلکه مسیر تازه‌ای از تنش میان تهران و غرب را نیز تعیین کند؛ مسیری که در صورت شکست دیپلماسی، بار دیگر سایه گزینه نظامی را بر منطقه سنگین‌تر خواهد کرد.

علی‌اکبر فرازی: اشاره ترامپ به احتمال حمله به کوه کلنگ در آستانه نشست شورای حکام بی‌دلیل نیست

در تحلیل نشست امروز (دوشنبه) شورای حکام و سناریوهای پیش‌رو، علی‌اکبر فرازی در گفت‌وگو با «شرق» معتقد است «تحولات جاری را باید در چارچوب یک جنگ چندوجهی ترامپ علیه ایران دید؛ جنگی که در آن، طرف مقابل تلاش می‌کند از تمامی ابزارهای سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی خود برای افزایش فشار بر تهران استفاده کند». از نگاه سفیر اسبق کشورمان در رومانی، «نشست شورای حکام که ساعاتی دیگر برگزار می‌شود، یکی از همین ابزارهاست و احتمال بهره‌گیری آمریکا و متحدان اروپایی آن از ظرفیت آژانس برای تشدید فشار بر تهران، قابل چشم‌پوشی نیست». تحلیلگر ارشد حوزه سیاست خارجی در واکاوی رفتار رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به الگویی اشاره می‌کند که به باور او طی ماه‌های گذشته شکل گرفته است؛ به این معنا که «معمولا در فاصله کوتاهی پیش از نشست‌های شورای حکام، اظهاراتی از سوی مدیرکل آژانس مطرح می‌شود که می‌تواند فضای سیاسی لازم برای تصمیم‌گیری اعضای شورا را فراهم کند». سفیر پیشین ایران در مجارستان باور دارد: «اظهارات اخیر گروسی درباره نبود دسترسی آژانس به برخی سایت‌های ایران را نیز باید در همین چارچوب مورد توجه قرار داد»؛ اظهاراتی که از دید فرازی، «می‌تواند بخشی از زمینه‌سازی برای افزایش فشار بر ایران در نشست پیش‌رو شورای حکام و فضاسازی در جهت احتمال ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت باشد». با این حال، انتقاد اصلی این دیپلمات پیشین متوجه نحوه مواجهه ایران با چنین تحرکاتی است و اذعان دارد «وزارت خارجه، سازمان انرژی اتمی، شورای عالی امنیت ملی و دیگر نهادهای مربوطه نباید همواره در موضع واکنشی قرار گیرند و منتظر بمانند تا طرف مقابل نخستین اقدام را انجام دهد و سپس ایران به آن پاسخ دهد». از نظر سفیر اسبق کشورمان در قبرس، «یکی از ضعف‌های سیاست خارجی ایران در شرایط کنونی، فاصله‌گرفتن از ابتکار عمل و تبدیل‌شدن به بازیگری واکنشی است». به زعم فرازی، «حتی در شرایط فعلی نیز که فقط ساعاتی تا نشست شورای حکام مانده، برای تغییر این معادله دیر نشده است» و پیشنهاد می‌کند که «ایران با اعلام آمادگی برای پذیرش بازرسان آژانس و فراهم‌کردن امکان انجام بازرسی‌ها، ابتکار عمل را در دست بگیرد و از شکل‌گیری اجماع گسترده علیه خود و احتمالا ارجاع پرونده به شورای امنیت جلوگیری کند». به تعبیر این کارشناس، «چنین اقدامی می‌تواند بخشی از سناریویی را که از جانب ترامپ و نتانیاهو برای افزایش فشار بین‌المللی علیه ایران طراحی شده، پیش از آنکه به مراحل بعدی برسد، با مشکل مواجه کند». اما نگرانی اصلی در صورت ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، صرفا به ابعاد حقوقی و دیپلماتیک این تحول محدود نمی‌شود. در چنین شرایطی، بحث نقش چین و روسیه و میزان آمادگی آنها برای استفاده از حق وتو نیز اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند که فرازی هشدار می‌دهد: «نباید از هم‌اکنون روی وتوی مسکو و پکن حساب باز کرد؛ زیرا این دو کشور نیز در مناسبات خود با ایالات متحده، منافع و پرونده‌های متعددی دارند و بعید است بدون در نظر گرفتن هزینه و فایده، کارت وتوی خود را در اختیار ایران قرار دهند». از نگاه سفیر اسبق ایران در رومانی، «روسیه ممکن است در معادلات مرتبط با جنگ اوکراین و مناسباتش با واشینگتن به دنبال امتیازاتی باشد و چین نیز پرونده‌های متعددی ازجمله اختلافات تجاری، مسائل دریای جنوبی چین و موضوع تایوان را در تعامل با آمریکا پیش‌رو دارد. بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت مسکو یا پکن صرفا به دلیل حمایت از ایران، هزینه سنگینی را در برابر واشینگتن متحمل شوند. به تعبیر فرازی، حتی اگر در مراحل پایانی احتمال وتوی قطع‌نامه‌ای علیه ایران وجود داشته باشد، نباید این احتمال را به ستون اصلی محاسبات سیاست خارجی تبدیل کرد». در همین چارچوب، سایه احتمال اقدام نظامی نیز از نگاه فرازی جدی است و در تأیید و تبیین گفته خود به اظهارات و اشاره‌های اخیر دونالد ترامپ درباره تأسیسات هسته‌ای ایران، به‌ویژه احتمال حمله به کوه کلنگ، توجه نشان می‌دهد و تأکید می‌کند: «چنین اشاره‌ای در روزهای منتهی به نشست شورای امنیت و احتمال ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت را نمی‌توان بی‌اهمیت تلقی کرد». از دید مفسر حوزه سیاست خارجی، «تکرار این موضوع می‌تواند نشانه‌ای از آن باشد که در راهبرد کلان آمریکا، همچنان گزینه هدف قراردادن و نابودکردن بخشی از ظرفیت‌های هسته‌ای ایران روی میز است و هم‌زمان تلاش می‌شود افکار عمومی برای پذیرش چنین اقدامی آماده شود». با این‌همه، فرازی راه جلوگیری از رسیدن پرونده به نقطه‌ای را که تصمیمات نظامی بر روندهای دیپلماتیک سایه بیفکند، در ابتکار عمل ایران می‌داند. از منظر او، «تهران نباید منتظر بماند تا پرونده ابتدا به شورای حکام، سپس شورای امنیت و در نهایت به مرحله تهدید نظامی برسد. اگر قرار است از شکل‌گیری یک اجماع بین‌المللی علیه ایران جلوگیری شود، نقطه آغاز آن باید همین امروز و با اقدامی فعالانه از سوی تهران باشد؛ اقدامی که بتواند مسیر تحولات را پیش از رسیدن به مراحل پرهزینه‌تر تغییر دهد».

فرشید باقریان: احتمال ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، لزوما به معنای حمله نظامی نیست

فرشید باقریان هم در مقام دیگر کارشناس مسائل بین‌الملل، در گفت‌وگو با «شرق» یقین دارد که «تحرکات اخیر آمریکا را در روزهای منتهی به نشست شورای حکام باید در چارچوب یک زمان‌بندی حساب‌شده و تلاش برای ایجاد اجماع جهانی علیه ایران تحلیل کرد». به باور پژوهشگر حوزه بین‌الملل، «دولت آمریکا تلاش دارد از تمامی اهرم‌های موجود علیه تهران استفاده کند و در این میان، پرونده هسته‌ای همچنان یکی از مهم‌ترین پرونده‌های روی میز است». او بر این باور است که «واشینگتن پس از آنکه نتوانست در برخی موضوعات منطقه‌ای و نظامی به اجماع مدنظر خود دست یابد، اکنون بیش از گذشته به سمت استفاده از ابزارهای «نرم» و سازوکارهای حقوقی و بین‌المللی حرکت کرده است؛ مسیری که پرونده هسته‌ای ایران یکی از مهم‌ترین بسترهای آن به شمار می‌رود». با این حال، باقریان اعتقاد دارد «حتی در صورت تصویب قطع‌نامه و شکل‌گیری اجماع سیاسی علیه ایران، نباید لزوما آن را به معنای آغاز یک اقدام نظامی گسترده تلقی کرد». از نگاه این تحلیلگر، «بخش مهمی از پیامدهای سیاسی و اقتصادی چنین تصمیمی پیش‌تر به ایران تحمیل شده است و کشور عملا با شدیدترین سطوح تحریم و فشار اقتصادی مواجه است. بنابراین، تصویب یک قطع‌نامه جدید، لزوما پیامد اقتصادی کاملا متفاوتی نسبت به وضعیت موجود ایجاد نخواهد کرد». اما اهمیت موضوع، به تعبیر باقریان، در جایی دیگر نهفته است؛ اینکه آیا ارجاع پرونده به شورای امنیت می‌تواند زمینه حقوقی و سیاسی لازم برای فعال‌شدن ظرفیت‌های فصل هفتم منشور ملل متحد و در نهایت توجیه یک جنگ گسترده‌تر را فراهم کند که او در پاسخ به این نگرانی، میان «اجماع سیاسی» و «اقدام نظامی» تفکیک قائل می‌شود و تأکید دارد: «شکل‌گیری اجماع جهانی علیه ایران الزاما به معنای شکل‌گیری یک ائتلاف نظامی برای حمله به کشور نیست». این کارشناس حوزه سیاست خارجی با اشاره به تجربه جنگ‌های اخیر علیه ایران می‌گوید: «جهان در شرایط کنونی از ورود مستقیم و گسترده به جنگ با ایران پرهیز می‌کند»؛ چون به اعتقاد باقریان، «حتی اسرائیل نیز پس از تجربه جنگ‌های اخیر، تلاش می‌کند خود را از ادامه مستقیم درگیری کنار بکشد و از طریق «ترک فعل» و پرهیز از جنگ، تصویری متفاوت از خود ارائه دهد. از این منظر، بعید است سایر بازیگران بین‌المللی حتی در سایه پرچم شورای امنیت و فصل هفتم نیز همان مسیری را تکرار کنند که می‌تواند هزینه‌های سنگینی برای آنها به همراه داشته باشد».

باقریان در عین حال یادآوری می‌کند که «شورای امنیت سازمان ملل متحد فاقد یک ارتش مستقل برای اجرای تصمیمات خود است و کشورهای اروپایی نیز اساسا ظرفیت نظامی لازم را برای اجرای عملیات‌هایی مشابه حمله به تأسیسات زیرزمینی و مستحکم ایران ندارند. بنابراین، اگر قرار باشد حمله‌ای نظامی علیه چنین اهدافی صورت گیرد، در نهایت این آمریکا خواهد بود که باید بار اصلی چنین عملیاتی را بر عهده بگیرد؛ موضوعی که خود، معادلات و محاسبات را پیچیده‌تر می‌کند». با وجود این، تحلیلگر حوزه بین‌الملل احتمال تکرار الگوی گذشته در جنگ ۱۲روزه را به‌طور کامل منتفی نمی‌داند و متذکر می‌شود: «ممکن است قطع‌نامه‌ای علیه ایران به تصویب برسد و پس از آن، ایالات متحده به‌صورت مستقل دست به اقدام نظامی بزنند؛ همان‌گونه که در مقاطع پیشین، تصمیمات سیاسی و حقوقی بین‌المللی در فاصله‌ای کوتاه با تحولات نظامی همراه شده‌اند». بنابراین، به باور او، «تکرار سنت گذشته ممکن است، اما این الزاما به معنای شکل‌گیری یک اجماع نظامی جهانی علیه ایران نیست». در این میان، یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده، توانمندی‌های نظامی ایران است و پیرو آن، باقریان بر سه مؤلفه تأکید می‌کند: «برخورداری از توان موشکی دوربرد، قابلیت نقطه‌زنی و امکان واردکردن اختلال جدی در نقاط حساس و زیرساخت‌های حیاتی طرف مقابل». با چنین برداشتی و از نگاه او، «نقطه‌زنی صرفا به معنای هدف قراردادن پادگان‌ها و نیروهای نظامی نیست، بلکه به معنای برخورداری از ظرفیت‌هایی است که در صورت تصمیم و اراده، می‌تواند نقاط حساس یک کشور را دچار اختلال و فلج کند». همین قابلیت‌ها، به اعتقاد او، یکی از دلایلی است که بازیگران بین‌المللی را نسبت به ورود مستقیم به جنگ با ایران محتاط می‌کند. این کارشناس همچنین به تحولات دکترین دفاعی ایران اشاره و خاطرنشان می‌کند: «پس از جنگ‌های اخیر، در محاسبات و رویکردهای دفاعی کشور تغییراتی ایجاد شده و مفهوم «حمله پیش‌دستانه» بیش از گذشته وارد ادبیات راهبردی شده است. از سوی دیگر، جهان نیز با مجموعه‌ای از بحران‌های هم‌زمان، از بحران انرژی و غذا گرفته تا بحران جمعیتی و تبعات ادامه جنگ اوکراین، دست‌وپنجه نرم می‌کند و در چنین شرایطی، ورود به یک جنگ جدید و گسترده با ایران می‌تواند هزینه‌های غیرقابل پیش‌بینی برای بسیاری از کشورها به همراه داشته باشد». از منظر تحلیلگر حوزه بین‌الملل، «یک مسئله مهم دیگر نیز وجود دارد و آن، نبود یک تعریف مشخص از جنگ ایران و آمریکا در نظام بین‌الملل است». به باور او، «روابط تهران و واشینگتن طی دهه‌ها چنان چارچوب و هویت مشخصی پیدا کرده که دو طرف یکدیگر را در قالب تعاریف راهبردی و تثبیت‌شده می‌شناسند؛ اما درباره بسیاری از کشورهای دیگر چنین تعریفی وجود ندارد. از همین رو، بسیاری از دولت‌ها تمایلی ندارند رابطه خود با ایران را به نقطه‌ای برسانند که ماهیت آن به‌صراحت رابطه جنگی تعریف شود». باقریان در نهایت بر این باور است که «اگرچه احتمال شکل‌گیری اجماع سیاسی علیه ایران و ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت جدی هست، اما نباید از این تحول، به‌صورت خطی و اجتناب‌ناپذیر، نتیجه گرفت که یک ائتلاف نظامی جهانی برای حمله به ایران شکل خواهد گرفت». به اعتقاد او، «جهان همچنان از ورود به جنگی فراگیر با ایران پرهیز دارد؛ با این حال، این احتیاط نباید موجب نادیده‌گرفتن احتمال اقدام مستقل آمریکا یا تشدید تدریجی فشارها شود. در چنین شرایطی، آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، درک دقیق از مرز میان فشار سیاسی، اجماع دیپلماتیک و تصمیم نظامی است؛ مرزی که در بحران جاری، بیش از هر زمان دیگری شکننده و تعیین‌کننده به نظر می‌رسد».

شرکت سهامی آب منطقه‌ای اصفهان
Regional Water Company of Esfahan
www.esrw.ir

فراخوان مزایده عمومی
آگهی شرکت در مزایده (نوبت اول)
شناسه : ۲۲۷۰۶۷۸

شرکت سهامی آب منطقه ای اصفهان در نظر دارد، مزایده فروش اموال اسقاطی(ادوات حفاری ،عمرانی وتجهیزات الکتریکی) ، ضایعات آهن ،مس وآلومینیوم و روغن های مستعمل ، خود را براساس جدول زیر به انجام رساند، لذا خواهشمند است از تاریخ درج آگهی نسبت به دریافت اسناد مزایده از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) قسمت مزایدات اموال منقول به آدرس WWW.SETADIRAN.IR اقدام نمایند. شایان ذکر است دریافت اسناد مزایده صرفاً از طریق سامانه ستاد انجام می پذیرد.

ردیف	شرح مزایده	شماره مزایده در سامانه ستاد
۱	فروش اموال اسقاطی(ادوات حفاری ،عمرانی وتجهیزات الکتریکی) ، ضایعات آهن ،مس و آلومینیوم و روغن های مستعمل	۱۰۰۵۰۰۱۲۰۵۰۰۰۰۰۱

آدرس: اصفهان، روبروی پل خواجو، ابتدای بلوار آئینه خانه، شرکت آب منطقه ای اصفهان، اداره تدارکات وانبارها
تلفن تماس: ۰۳۱۳۶۶۱۵۳۶۰داخلی ۱۱۸۲
آدرس سایت : WWW.ESRW.IR

سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
با ارزیابی کیفی به صورت فشرده (نوبت اول)
شناسه : ۲۲۷۱۴۶۲

موضوع مناقصه : انجام خدمات مرتبط با مدیریت ترافیک،حمل و نقل و ایمنی معابر در سطح منطقه پارس یک(عسلویه) شماره مناقصه: ۲۷-۱۴۰۵
سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در نظر دارد انجام خدمات با موضوع فوق را طبق مشخصات و شرایط کلی زیر، از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای و پس از ارزیابی کیفی به صورت فشرده به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید (اطلاعات تکمیلی در اسناد مناقصه می‌باشد) :
۱- نام و نشانی مناقصه‌گزار: سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس - استان بوشهر، عسلویه، ساختمان مرکز همایش‌های خلیج فارس
۲- مبلغ برآورد اولیه: ۱,۲۱۲,۲۸۷,۵۴۷,۳۱۴ریال
۳- نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ضمانتنامه بانکی (که قابل تمدید به مدت سه ماه با درخواست مناقصه‌گزار باشد) یا وجه نقد به مبلغ ۴۹,۶۲۵,۷۵۰,۹۴۶ریال
۴- شرایط شرکت در مناقصه: دارا بودن گواهینامه صلاحیت پیمانکاری باحداقل پایه ۵ در رشته راه و ترابری از سازمان برنامه و بودجه کشور
۵- فرآیند ارزیابی کیفی و انتخاب برنده مناقصه به صورت فشرده انجام می گردد لذا مناقصه گران باید علاوه بر بارگذاری اسناد مورد درخواست و مستندات ارزیابی کیفی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir ، صرفا (پاکت الف)را که حاوی ضمانتنامه فرآیند ارجاع کار می باشد به صورت فیزیکی به دبیرخانه کمیسیون مناقصات ارائه نمایند. ابتدا مستندات ارزیابی کیفی بررسی خواهد شد و سپس پاکت های پیشنهاد قیمت مناقصه گرانی که در ارزیابی کیفی امتیاز لازم را کسب نموده اند . گشایش خواهند گردید.
۶- آخرین مهلت دریافت استعلام ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه از سامانه ستاد : متعاقبا از طریق سامانه ستاد اعلام میگردد.
۷- زمان و محل برگزاری جلسه توجیهی : متعاقبا از طریق سامانه ستاد اعلام میگردد.
۸- مهلت بارگذاری استعلام‌ها و پاکت‌های پیشنهاد قیمت در